

بهرام‌الدین صلاح‌الدینویچ منانف



برگ‌هایی از تاریخ مناسبات روسیه و ایران

پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم
(روایتی از تاریخ‌نگاری شوروی)

برگردان از زبان روسی:
تورج اتابکی، نجم‌کاوایی،
خلیل‌وداد

رده‌بندی نشر چشمه: علوم انسانی-مطالعات تاریخی

برگ‌هایی از تاریخ مناسبات روسیه و ایران

پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم

(روایتی از تاریخ‌نگاری شوروی)

بهرام‌الدین صلاح‌الدینویچ منائف

برگردان از زبان روسی: تورج اتابکی، نجم گاوایانی، خلیل و داد

ویراستار: حسن مرتضوی

همکاران آماده‌سازی: نینا رزندی، زهرا بازبان شتربانی

ناظران تولید: سازنگ مؤید، میثم باقری

مدیر هنری: مجید عباسی

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.


هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۴۵-۱-۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ —
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان
حافظی، نیش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتاب‌فروشی
نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روی‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) —
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس: تهران، خیابان پاسداران، نیش گلستان یکم،
مجتمع پریس، طبقه‌ی دوم. تلفن: ۹۱۰۱۲۵۸ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان: مشهد، بلوار
وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) —
کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آفتاب: اراک، خیابان شهید بهشتی، سه‌راه آرامنه، خیابان شکرایی، پلاک ۶۷۸۴.
تلفن: ۳۲۲۳۶۶۰۸ (۰۸۶)

www.cheshmeh.ir

 cheshmehpublication

 cheshmehpublication

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

۷

پیش‌گفتار مترجمان

۱۱

درباره‌ی نویسنده

۱۳

پیش‌گفتار نویسنده

۲۷

فصل اول

مناسبات ایران - آسیای میانه پیش از
الحاق ترکستان به روسیه

۵۳

فصل دوم

روابط ایران و روسیه در زمان الحاق
آسیای میانه به روسیه

۱۰۱

فصل سوم

ترکستان و روابط ایران و روسیه

۱۶۷

منابع

۱۷۷

نمایه

۱۸۵

نقشه‌ها

پیش گفتار مترجمان

آن کس که گذشته را کنترل کند آینده را کنترل می کند؛
آن کس که حال را کنترل کند گذشته را کنترل می کند.

جورج اورول، ۱۹۸۴

از پی اشغال قازان در ۱۵۵۲ بیش از دوست سالی به درازا کشید تا امپراتوری تزاری بتواند به گسترش سرزمینی اش در شرق و غرب دریای خزر برسد. جنگ های ایران و روسیه در نیمه ی اول قرن نوزدهم میلادی که به امضای دو قرارداد گلستان و ترکمنچای انجامید، غرب دریای خزر را یکسره از دست ایران به در آورد. شرق دریای خزر، با سه خانان^۱ خوقند و خیوه و بخارا، اما همچنان از سلطه ی امپراتوری تزاری بیرون بود تا نیمه ی دوم قرن نوزدهم رسید. در آغاز این نیمه، جنگ داخلی امریکا (۱۸۶۵ - ۱۸۶۱) پیامدهایی گسترده تر از آن داشت که نصیب مردمان امریکا شود. امریکا، که با صادرات پنبه اش چرخ صنایع نساجی بسیاری از قدرت های سیاسی - اقتصادی اروپا و از جمله بریتانیا و روسیه را می چرخاند، به یک باره از صادرات پنبه واماند. برای امپراتوری های اروپا که صنایع نساجی شان در اوج بهره دهی بود، یافتن گزینه ی جانشین امریکا به جد مطرح شد. امپراتوری بریتانیا چشم به شمال افریقا دوخت و روسیه ی تزاری آسیای

۱. یا خاقانات نهادی سیاسی است با یک خان یا خاقان در رأس آن. - م.

میانه را سرزمینی می‌دانست که آب‌وهوایش خورند کشت گسترده‌ی پنبه بود. هر چند وزارت جنگ روسیه‌ی تزاری از لشکرکشی به آسیای میانه بیم داشت، چرا که نمی‌خواست رودرروی امپراتوری بریتانیا در هند قرار گیرد، اما حرف آخر را در این زمینه نه وزارت جنگ، که وزارت مالیه‌ی روسیه‌ی تزاری زد و حکم به الحاق آسیای میانه به سرزمین روسیه داد.

کارزار اشغال آسیای میانه از سوی روسیه‌ی تزاری با محاصره‌ی شهر چیمگنت در شرق رود سیحون به سال ۱۸۶۴ آغاز شد و تا ۱۸۹۵ که سپاهیان روس بخش شمالی بدخشان را از افغانستان جدا کردند به درازا کشید. در طول این کارزار سی‌ساله، از سه خانان خوقند، خیوه و بخارا، دو خانان نخست هویت سیاسی‌شان را یکسره از دست دادند و تنها خانان یا امارت بخارا، زیر حمایت امپراتوری تزاری، به گونه‌ای محدود استقلال خود را نگاه داشت. در این دوره‌ی سی‌ساله، رفتار استعمار روسیه یکسان نبود: به فراخور واکنش مردمان این سرزمین، از قتل عام نژادکشانه‌ی ترکمان در نبرد گوک‌تپه به دست سپاهیان ژنرال اسکوبلف به سال ۱۸۸۱ تا حمایت استعماری از امارت بخارا، از اعمال سیاست‌های هم‌گون‌سازی زبانی و فرهنگی در مناطق مرکزی تا عدم‌مداخله در بودوباش سنتی مردمان در نواحی دوردست. چنین تنوع رفتاری را حتی در دوران شوروی نیز می‌توان سراغ گرفت.

از پی استقرار قوای روس در فرارود (ماوراءالنهر)، پیشوایی اقتصادی و سیاسی امپراتوری تزاری بر این سرزمین به گونه‌ای گسترده و چشم‌گیر انجام شد. وادی فرغانه یکسره به زیر کشت پنبه درآمد و سرمایه‌داری رو به گسترش تزاری با بهره‌بری بی‌حدومرز از منابع طبیعی غنی آسیای میانه، که دست کمی از منابع نفتی غرب دریای خزر برای این امپراتوری نداشت، نفسی تازه کرد و جان تازه‌ای یافت. مهاجرت روزافزون روس‌ها به این سرزمین بکر شمار باشندگان روس را در فرارود فزونی بخشید و به دومیلیون تن تا آغاز جنگ جهانی اول کشاند. با برپایی فرمانداری کل ترکستان به سال ۱۸۶۷ که مرکزش در تاشکند بود، فرارود برای بیش از ۱۲۵ سال، تا فروپاشی اتحاد شوروی به سال ۱۹۹۱، یا پرچم سه‌رنگ

روسیه‌ی تزاری را بر فراز خود برافراشته داشت یا پرچم سرخ کمونیسم روسی را.^۱

پیوست استعماری آسیای میانه به امپراتوری روسیه اما پایان طمع سیری‌ناپذیر این امپراتوری برای گسترش سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی‌اش بر سرزمین‌های دیگر نبود. در جنوب آسیای میانه، اینک این شمال ایران و افغانستان بود که قرار بود به قلمرو منفعت اقتصادی و سیاسی امپراتوری روسیه بپیوندد. منافع، در پژوهشی که اینک ترجمه‌اش ارائه می‌شود، کارنامه‌ای از تلاش آرام اما پیوسته‌ی امپراتوری تزاری برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در جنوب مرزهای استعماری‌اش را به دست می‌دهد. درباره‌ی این پژوهش لازم است نکته‌ای را بیان کنیم.

نزدیک به سه دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌گذرد، اما کارنامه‌ی آن نظام، با همه‌ی کامیابی‌ها و ناکامیابی‌هایش، همچنان ذهن بسیاری از اهل پژوهش را، به‌ویژه در سپهر دانشگاهی، به خود مشغول داشته است. اتحاد جماهیر شوروی، نظام سیاسی استوار بر دستگاہی فکری بود که حیات خود را حاصل جبری غایت‌مند می‌دانست که گویا تمامی جامعه‌های انسانی را از گذار از آن فرآیند رهایی نبود. تاریخ‌نگاری به مثابه‌ی پژوهش در روش تدوین تاریخ در این نظام وظیفه داشت تا خوانشی از گذشته را به دست دهد تا خورند و پسند دستگاہ فکری آن نظام باشد. از این‌رو با تحول و تطور نظام شوروی، تاریخ‌نگاری آن نظام نیز شکل‌های گونه‌گونگی از پژوهش‌ها را تولید کرد. مثلاً اگر در دوران روسیه‌ی تزاری تاریخ استعمار و گسترش سرزمینی امپراتوری در قفقاز و آسیای میانه چنین رقم می‌خورد که به قول گورچاکف، وزیر امور خارجه‌ی روسیه تزاری در سال ۱۸۶۴، نقش روسیه در آسیای میانه نقشی بود «هم‌سنگ تمامی دولت‌های متمدنی که در رویارویی با اقوام وحشی و کوچ‌نشین فاقد سازمان اجتماعی توسعه‌یافته، با اعمال سیاست‌های فرادستانه بر مردمانی

۱. برای مروری بر سیاست‌های قومی در آسیای میانه در دوران اتحاد شوروی ←

Touraj Atabaki and Sanjyot Mehendale, *Central Asia and the Caucasus. Transnationalism and Diaspora* (London and New York: Routledge, 2005).

سرکش و یاغی، می‌کوشیدند آنان را از همسایگانی نامطلوب به مردمی مطیع و متمدن تبدیل کنند»، در تاریخ‌نگاری نخستین شوروی این خوانش یکسره مردود شد. در این تاریخ‌نگاری انقلابی، گسترش سرزمینی تزاری، گسترشی امپریالیستی یا کشورگشایانه^۱ خوانده شد و از مقابله‌ی نخستین مردمان آسیای میانه با روسیه‌ی تزاری چون مبارزه‌ای برای دفاع از سرزمین در برابر استعمار و مقابله با استثمار نظامی - فئودالی تزاری یاد شد. این خوانش اما بعد دگرگون شد و به جایش خوانشی چنین نشست: الحاق آسیای میانه به روسیه‌ی تزاری «الحاقی داوطلبانه»^۲ به شمار می‌رفت که «حاصلش توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی این قلمرو جغرافیایی بود؛ توسعه‌ای که سرنوشت مردمان آسیای میانه را در راستای پیشرفت تاریخی در پی داشت.»^۳

پژوهش منافع، که ترجمه‌اش در دست است، پژوهشی است در چهارچوب و راستای همین خوانش آخرین. برگرداندگان فارسی این پژوهش، بی‌هیچ دخل و تصرفی در متن روسی این پژوهش و بی‌هیچ حاشیه‌ای بر درستی و نادرستی داده‌های آن، متن را همان‌گونه که بود به خواننده‌ی فارسی‌زبان عرضه کرده‌اند. داده‌های غنی آماری این پژوهش، که برای نخستین بار به زبان فارسی منتشر می‌شود، می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های بیش‌تر و عمیق‌تر پژوهشگران فراهم کند.

آمستردام، بهار ۱۳۹۸

1. zavoyevaniye

2. Dobrovol'noye prisoyedineniye

۳. برای مروری بر این اشارات گفتمانی در تاریخ‌نگاری روسیه‌ی تزاری و شوروی کمونیستی - Marin Pundeff, (ED), *History in the USSR: Selected Readings* (San Francisco: Chandler Publication co, 1967).

درباره‌ی نویسنده

بهرام‌الدین صلاح‌الدینویچ منانف به سال ۱۹۳۰ در شهر سبز، شهری در هشتاد کیلومتری جنوب سمرقند که امروزه در جمهوری ازبکستان قرار دارد، چشم به جهان گشود. از پی آموزش ابتدایی و متوسطه در همان شهر، منانف به تاشکند رفت و دوره‌های لیسانس و فوق‌لیسانس را در رشته‌ی خاورشناسی در دانشگاه دولتی آسیای مرکزی آغاز کرد. این دانشگاه بزرگ‌ترین دانشگاه آن زمان در سراسر آسیای مرکزی بود، و امروزه دانشگاه ملی ازبکستان نام دارد. منانف به سال ۱۹۵۴ دوره‌ی فوق‌لیسانس را در رشته‌ی خاورشناسی، با انتخاب حوزه‌ی تاریخ و تمدن ایران، به پایان برد و دوره‌ی پژوهش دانشجویی‌اش را برای کسب درجه‌ی دکتری. به سال ۱۹۵۷، منانف از رساله‌ی دکتری‌اش با نام روابط ایران و روسیه در پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم دفاع کرد. این رساله، که به سال ۱۹۶۳ در تاشکند چاپ شد، بن‌مایه‌ی پژوهشی گسترده بود که یک سال بعد در انتشارات نائوکا در تاشکند منتشر شد. همین نشر سال ۱۳۶۴ را مترجمان فارسی به عنوان متن اصلی پژوهش منانف برای ترجمه‌ی

فارسی انتخاب کردند. از منافع مقاله‌ها و کتاب‌های بسیاری بر جا مانده که عمدتاً درباره‌ی روابط روسیه‌ی تزاری با همسایگان جنوبی‌اش، ایران و افغانستان، است. منافع به سال ۲۰۰۷ در شهر تاشکند، چشم از جهان فرویست.

پیش‌گفتار نویسنده

یکی از وظایف عمده‌ی مورخان شوروی مطالعه‌ی عمیق علمی گذشته‌ی این کشور از جمله مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن با خلق‌های کشورهای دیگر است. این مسئله در زمان حاضر، که جاعلانِ بورژوازی تاریخ و مدافعان امپریالیسم برای برائت اعمال استعماری خود به هر نوع تحریف رویدادهای تاریخی و مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور ما با کشورهای دیگر خاور دست می‌یازند، اهمیت زیادی دارد.

نوشته‌ی حاضر به بررسی مسائلی می‌پردازد در پیوند با مناسبات سیاسی و اقتصادی و تا حدی فرهنگی میان دو کشور روسیه و ایران که از طریق ترکستان شکل گرفته بود. البته پی‌ریزی و گسترش این مناسبات به الحاق آسیای میانه به روسیه مربوط می‌شود.

از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم با توسعه‌ی سرمایه‌داری تا آخرین مرحله‌ی خود، یعنی امپریالیسم، مسئله‌ی اشغال مستعمرات جدید توسط کشورهای اروپایی به عنوان بازار فروش و تهیه‌ی مواد خام شدت یافت که به مبارزه‌ی شدید آنان در بازتقسیم مستعمرات پیشین انجامید.

سرمایه‌داری روسیه که در مدت کوتاهی در سده‌ی نوزدهم (۱۸۸۰ - ۱۸۶۰) گسترش «افقی یا عمودی» یافت، تمامی خانات آسیای میانه را به خود ملحق کرد و به برنامه‌های رقیب سیاسی خویش، امپریالیسم انگلستان، ضربه‌ی سنگینی وارد کرد. انگلستان مدت مدیدی علیه الحاق آسیای میانه به روسیه عمل کرد تا مانع پیوستن این حوزه‌ی وسیع جغرافیایی به روسیه شود. هنگامی که انگلستان کاشفان سیاسی خود را با هدف سازمان‌دهی مقاومت خانات در برابر ارتش مهاجم روسیه‌ی تزاری به این منطقه گسیل کرد، دولت روسیه مسئله‌ی اداره‌ی «مشترک» بخش‌های جداگانه‌ی آسیایی را پیش کشید. سیاست استعمارگران انگلستان در این زمان کاملاً با این سخن‌لنین‌خوانایی دارد که می‌گفت: «جانان امپریالیسم انگلستان... نه‌تنها به خاطر گستره‌ی مستعمرات غارت‌شده، بلکه به دلیل حيله‌گری و پستی‌شان ریکاردو را پشت‌سر گذاشته‌اند.»^۱

انگلستان می‌کوشید با پنهان‌نگه داشتن نقشه‌های اشغالگرانه‌ی خویش و طرح شعار دفاع از هند در مقابل «خطرات روسیه»، ایران و روسیه را مقابل هم قرار دهد و هم‌زمان نفوذش را در نواحی شمال ایران پنهان کند. انگلیسی‌ها با استفاده از مناسبات بحرانی ایران با خانات آسیای میانه، ایران را به اشغال بعضی از بخش‌های آسیای میانه تشویق می‌کردند. الحاق آسیای میانه به روسیه به معنی پایان توطئه‌های انگلستان در رابطه با مناطق ترکستان بود و سیاست دوستانه، ثابت و پی‌گیرانه‌ی روسیه باعث حل صلح‌آمیز مسائل مورد مناقشه‌ی ارضی (تثبیت خطوط مرزی) و غیره شد.

با وجود سیاست استعماری روسیه‌ی تزاری در آسیای میانه و استقرار استبداد دوگانه در آن‌جا، الحاق این سرزمین به روسیه ارزشی معنوی و مترقی در سرنوشت خلق‌های آسیای میانه داشت. علاوه‌براین، به گواهی حقایق گوناگون تاریخی، این الحاق بر سرنوشت خلق‌های کشورهای هم‌جوار با آسیای میانه از جمله ایران نیز تا حدی اثر گذاشت. بعد از الحاق

۱. وی. ای. لنین، کلیات آثار، ج ۳۷، صص ۵۰-۴۹. (روسی)

امارت بخارا و خانات خیوه و ترکستان روسی، راه روسیه از طریق این مناطق به نواحی شمال شرقی ایران باز و باعث گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی شد.

این کتاب دوره‌ای از سال‌های دهه‌ی ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴ را در بر می‌گیرد. اما نمی‌توان بدون توضیح خلاصه‌ای از روابط ایران با آسیای میانه در آستانه‌ی الحاق آسیای میانه به روسیه، به بازگویی دگرگونی‌های سال‌های بعد پرداخت. گفتنی است که نویسنده‌ی این کتاب عمدتاً به مسائل تاریخی و مناسبات سیاسی، بازرگانی، اقتصادی و فرهنگی‌ای پرداخته که پژوهشگران تا به حال آن را بررسی نکرده‌اند.

تا نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، هیچ اثری به زبان روسی نبود که بتوان از آن اطلاعات دقیقی درباره‌ی نواحی شمال شرقی ایران که به آسیای میانه منتهی می‌شوند، به دست آورد. در سال ۱۸۵۸ یعنی در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، روسیه‌ی تزاری به اوضاع اقتصادی و سیاسی کشورهای هم‌جوار با روسیه از جمله ایران، خراسان و ولایت هرات افغانستان علاقه‌مند شد و هیئتی ویژه را تحت رهبری خاورشناس مشهور، خانیکوف، به منطقه اعزام کرد.^۱ پس از بازگشت این هیئت در مطبوعات آن زمان، رشته‌ای اطلاعات جالب درباره‌ی نواحی خاوری ایران منتشر شد که به دگرگونی برداشت‌ها در خصوص خاور ایران انجامید.^۲

از میان کتاب‌های نویسندگان پیش از انقلاب اکتبر درباره‌ی الحاق آسیای میانه به روسیه، کتاب چهارجلدی جنگ در ترکمنستان در سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۰ از گروودیکوف قابل توجه است.^۳ در این اثر نویسنده اطلاعات جالبی را درباره‌ی موضع حکومت ایران در رابطه با الحاق سرزمین‌های هم‌جوار با استان خراسان ایران گردآوری کرده بود. در حوزه‌ی روابط روسیه با ایران، مجموعه‌ی اسناد جغرافیایی، سرشماری و نقشه‌برداری آسیا

۱. ان. ای. خالفین، سه هیئت روسی، تاشکند: ۱۹۵۶.

۲. گزارش اجرایی هیئت خراسان، مجله‌ی اخبار انجمن جغرافیای روسیه، سنت پترزبورگ: ۱۸۵۹، بخش ۲۵ و سال ۱۸۶۰، بخش ۲۸.

۳. ان. ای. گروودیکوف، جنگ در ترکمنستان در سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۰، ج ۴-۱، سنت پترزبورگ: ۱۸۸۴-۱۸۸۳.

که در آن اطلاعات گوناگون سیاسی - اقتصادی از نواحی شمال شرقی ایران (هم‌مرز با آسیای میانه) گردآوری شده بود، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است.^۱ در آثار زارودنی نیز اطلاعات زیادی درباره‌ی خراسان و خاور ایران وجود دارد.^۲ در آن اثر، از کتاب ارتامونوف با نام ناحیه‌ی استرآباد - شاهرود در شمال خراسان که در آن نویسنده اطلاعاتی را درباره‌ی سفرش به شمال ایران ثبت کرده نیز استفاده شده است.^۳ او در این اثر اطلاعات مالی مربوط به گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی روسیه و ایران از طریق ترکستان را ارائه کرد و درباره‌ی تغییرات سیاسی و اقتصادی در زندگی مردم مناطق یادشده پس از الحاق آسیای میانه به روسیه توضیحاتی داد.

در زمینه‌ی مناسبات بازرگانی و اقتصادی روسیه با ایران پس از الحاق ترکستان به روسیه، از داده‌های گسترده در کتاب‌های نویسندگان پس از انقلاب چون تومارا^۴، فدوروف^۵، شاوروف^۶، کنوپکا^۷، گولیشماروف^۸، گوبارویویچ رادویلسکی^۹، و غیره می‌توان نام برد. در زمینه‌ی روابط ایران و روسیه (از طریق ترکستان)، سالنامه‌ی تحلیل اوضاع مناطق ماورای خزر که در عشق‌آباد به چاپ رسیده، جای مهمی دارد.^{۱۰} در این سالنامه، اسناد و اطلاعات گوناگون نه تنها در رابطه با زندگی داخلی ایالت ماورای خزر، بلکه درباره‌ی روابط بازرگانی و اقتصادی ماورای خزر با ایران و افغانستان نیز اطلاعات کافی درج شده است. در مجموع، آثار پیش از انقلاب اکتبر

۱. مجموعه‌ی استاد جغرافیایی، سرشماری و نقشه‌برداری آسیا، ج ۱، ۱۸۸۶، سنت پترزبورگ: کمیته‌ی نظامی، ستاد فرماندهی کل سال‌های ۱۹۱۳ - ۱۸۸۳، ش ۱.
۲. ان. زارودنی، سفر به ایران خاوری، یادداشت‌های انجمن جغرافیای عمومی روسیه، سنت پترزبورگ: ۱۹۰۹.
۳. ال. کا. ارتامونوف، ناحیه‌ی استرآباد - شاهرود در خراسان شمالی، تفلیس: ۱۸۹۴.
۴. ام. ال. تومارا، وضعیت اقتصادی ایران، سنت پترزبورگ: ۱۸۹۵.
۵. پی. فدوروف، رقابت منافع بازرگانی در خاور، سنت پترزبورگ: ۱۹۰۳.
۶. ان. ای. شاوروف، تجارت خارجی ایران و شرکت روسیه در سال‌های ۱۹۱۳ - ۱۹۱۲، سنت پترزبورگ: ۱۹۱۴.
۷. اس. آر. کنوپکا، ایالت ترکستان، تاشکند: ۱۹۱۳.
۸. اس. ای. گولیشماروف، تحلیل اقتصاد ناحیه‌ی ترکستان در رابطه با بهره‌برداری از راه آهن راه آسیای میانه، عشق‌آباد: ۱۹۱۳.
۹. ای. اف. گوبارویویچ رادویلسکی، اهمیت ترکستان در بازرگانی روسیه با کشورهای هم‌جوار آسیایی، سنت پترزبورگ: ۱۹۱۲.
۱۰. نخستین «سالنامه‌ها...» چندین سال را از نظر زمانی به بررسی گرفته‌اند، مانند تحلیل اوضاع ماورای خزر از سال ۱۸۹۰ - ۱۸۸۲، عشق‌آباد: ۱۸۹۲ و یا در تحلیل اوضاع ماورای خزر از ۱۸۹۶ - ۱۸۹۰، عشق‌آباد: ۱۸۹۷.

در ترکستان (چه به زبان روسی و چه به زبان‌های محلی از جمله ازبکی)^۱ به اوضاع کشورهای هم‌جوار خاوری توجه جدی داشته‌اند.^۲

در کنار این آثار نشریه‌های ادواری چون اخبار سنت پترزبورگ، صدا، کوریر و غیره نیز اطلاعات مفیدی از بازرگانی روسیه با کشورهای خارجی از جمله با ایران، اخبار مالی، صنعتی و تجارتی مهمی را منتشر کردند و بخشی از این تحلیل‌ها به شکل کتاب‌هایی جداگانه نیز درآمده است.^۳

همه‌ی نشریه‌های بورژوازی پیش از انقلاب برخوردار از انتقادی به روسیه داشتند، زیرا مسائل مطرح در آن‌ها ریشه در موضع تاریخ‌نگاری طبقاتی بورژوازی پیش از انقلاب داشت. هر چند باید خاطر نشان کرد که در این آثار اطلاعات باارزشی نیز می‌توان یافت.^۴ علاوه بر مسائل مطرح در این آثار اطلاعات جالبی از آثار نویسندگان غربی می‌توان به دست آورد، از جمله می‌توان از کتاب جهان‌گرد مجاری، وامبری^۵، که در آن در خصوص روابط ایران و خانات آسیای میانه در آستانه‌ی الحاق‌شان به روسیه اطلاعات جالبی را جمع‌آوری کرده است. همچنین از کتاب‌های نویسندگان انگلیسی در مجموعه‌هایی درباره‌ی مسائل اقتصادی، آسیای میانه در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم نیز می‌توان نام برد. در میان آن‌ها از مقاله‌ی مک - گریگور با عنوان به اصطلاح «دفاع از هند»^۶ می‌توان نام برد که در آن از «خطر روسیه» یاد می‌کند که گویا از طریق افغانستان، ایران و آسیای

۱. از انتشارات محلی، اخبار ترکستان ۱۹۱۷ - ۱۸۷۰، به زبان روسی و ترکستان ولایتینگ گازی - ۱۸۷۰ - ۱۹۱۷، به زبان ازبکی، استفاده شده است.
۲. مقالات این جراید که به مسائل آسیای میانه و کشورهای همسایه می‌پرداختند، در مجموعه‌ی ترکستان در ۵۱۶ جلد جمع‌آوری شده‌اند. این مجموعه‌ی نادر در کتابخانه‌ی تاشکند به نام «گیشیر نوایی دنگه‌داری می‌شود».
۳. جی. وی. تارنوفسکی، بازرگانی با پارس از طریق ایالت ماورای خزر، اقتباس از اخبار مالی، صنعتی و بازرگانی، ۱۸۹۰، ش ۹۱.
۴. ام. ای. تارنیف که آثار و پژوهش‌های زیادی در مورد الحاق ترکستان و رقابت روسیه و انگلیس در این ناحیه نوشته است، تعریف زیر را از سیاست تجاوزکارانه‌ی تزارسیم ارائه می‌دهد: «ما به آسیای میانه می‌رویم، زیرا با ما حمله می‌کنند». روسیه و انگلیس در آسیای میانه، سنت پترزبورگ: ۱۸۷۵، ص ۹. یکی دیگر از نویسندگان پیش از انقلاب، دلیل عمده‌ی الحاق آسیای میانه به روسیه را چنین توضیح می‌دهد: «... برای روسیه اشغال‌های استعماری ضرور بود، زیرا که این امر ادامه‌ی گسترش اشغال سرزمین‌های جدید در سوی ولگا - خزر، سبیر و تایگاست.» (جزوه‌ی اقتصادی بخارا و تونس، سنت پترزبورگ: ۱۹۰۵، ص ۲) و غیره.
۵. ای. وامبری، یادداشت‌های آسیای میانه، مسکو: ۱۸۶۸، همچنین سیاحت در آسیای میانه، مسکو: ۱۸۷۴.
۶. مجموعه‌ی اسناد جغرافیایی، سرشماری و نقشه‌برداری در مورد آسیا، ج ۴۳ و ۴۴، سنت پترزبورگ: ۱۸۹۱.

میانه به وقوع می‌پیوندد. کتاب دیگر این نویسنده که پس از رفتن به نواحی شمال شرقی ایران نوشته و به زبان روسی به نام خراسان منتشر شده بود، نیز یادکردنی است. نویسنده در این اثر اطلاعات جالبی درباره‌ی زندگی سیاسی و اقتصادی مناطقی از ایران نوشته است که به آن‌ها سفر کرده بود. هم‌زمان او به عنوان مأمور اداره‌ی استعماری بریتانیا در هند، وضعیت نظامی نواحی گوناگون خراسان را تحلیل کرد و به دولت متبوع خویش پیشنهادهایی درباره‌ی اشغال این نقاط مهم استراتژیک داد.

شمار آثاری که از زبان‌های دیگر به روسی ترجمه شده‌اند، به آثار بالا محدود نمی‌شود. شمار زیادی از آثار نویسندگان خارجی درباره‌ی ایران در مجموعه‌هایی جداگانه چاپ شده‌اند که از جمله می‌توان اثر روزنامه‌نگار فرانسوی، وی. بیرار، به نام ایران و شورش ایرانیان^۱ نام برد. گرچه این کتاب به مسائل انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۶ پرداخته، در آن اطلاعات زیادی درباره‌ی مناسبات بازرگانی و اقتصادی ایران و روسیه از طریق آسیای میانه نیز می‌توان یافت.

در زمینه‌ی روابط ایران با کشورهای آسیای میانه، می‌توان اطلاعات جداگانه‌ای را از اثر مورخ انگلیسی، پی. سایکس، به دست آورد. در جلد دوم تاریخ ایران که به‌وضوح جانب‌دارانه نوشته شده، نویسنده هنگام بررسی مسئله‌ی روابط ایران و آسیای میانه، از بهبود زندگی مردم مرزنشین ترکمنستان با ایران یاد می‌کند.^۲ او در کتاب دیگرش، ده‌هزار مایل در ایران یا هشت سال در ایران^۳، نیز اطلاعات زیادی درباره‌ی نواحی شمال شرقی ایران در اواخر سده‌ی نوزدهم تا شروع سده‌ی بیستم ارائه می‌دهد.

همچنین کتاب نویسنده‌ی دیگر انگلیسی، یات، خراسان و سیستان، برای تحقیق درباره‌ی موضوعات یادشده اهمیت زیادی دارد. کتاب او به عنوان دفتر خاطرات یک مأمور بریتانیایی سرشار از اطلاعات استراتژیک نظامی است که به قول خود نویسنده: «برای برادرانم، افسران ارتش، زمانی

۱. ای. وی. بیرار، ایران و شورش ایرانیان، ترجمه از فرانسوی توسط ای. پاولویچ، انتشارات بروکهاوس-ایرفون، سنت پترزبورگ: ۱۹۱۲.

۲. P. M. Sykes, *Ten thousand miles in Persia: Or Eight Years in Iran*, London: 1902.

۳. همان جا.

که بخواهند به هند، خراسان و سیستان بیایند یا به آسیای میانه علاقه‌مند شوند، مفید خواهند بود.»^۱

در آثار یادشده، انگلستان از «تهدید هند توسط روسیه» یاد می‌کند و از قبول اعمال سیاست استعماری سر باز می‌زند. نظریه‌ی «خطر تهدید هند توسط روسیه» برای محافل انگلستان ضروری بود تا جو خصمانه‌ای را در برابر سیاست روسیه در آسیای میانه و کشورهای هم‌جوار آن، ایران و افغانستان، ایجاد کند. انگلیسی‌ها تحت لوای «خطر روسیه» حوزه‌ی نفوذ استعماری خود را در آسیای میانه گسترش دادند و با روسیه به مبارزه پرداختند.

در کتاب‌های نویسندگان معاصر بورژوازی درباره‌ی ایران، هنگامی که مسئله‌ی تاریخ رقابت انگلستان و روسیه در این کشور به میان می‌آید، آنان بدون تحلیل حوادث تاریخی «تهدید هند توسط روسیه» را به میان می‌آورند؛ چنان‌چه در اثر لینزوفسکی با عنوان روسیه و غرب در ایران^۲، ریچارد فرای، ایران^۳، و روزا گریوز، ایران و دفاع هند^۴ در سال‌های ۱۸۸۴-۱۸۹۲ می‌بینیم.

پاره‌ای از داده‌های بازرگانی و اقتصادی نواحی شمال شرقی ایران در پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم در «گزارش‌های سالانه‌ی دیپلماتیک و کنسولی» کنسول‌های انگلیس در مراکز بزرگ بازرگانی و اداری خراسان، سیستان و استرآباد نیز بازتاب یافته‌اند. در این اسناد می‌توان مدارک جالبی درباره‌ی رویدادهای سیاسی نواحی شمالی ایران یافت.^۵ در مدارک تاریخی ایران تقریباً هیچ سندی درباره‌ی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و آسیای میانه نمی‌یابیم. این امر حتی در مورد اثرده جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صدق می‌کند که نویسنده‌ی آن، حسام‌میرزا، به مسئله‌ی تاریخ روابط کشورش با دُول دیگر پرداخته

1. C. E. Yate, *Khurasan and Sistan*: Edenburg: 1900, p. 3.

2. G. Lenczowsky, *Russian and the West in Iran, 1918-1948*, New York: 1949.

3. R. N. Frye, *Iran*, London: 1954.

4. R. L. Greaves, *Persia and the Defence of India, 1884-1892*, Bristol: 1959.

ام. وی. پاپوف، دانشمند اهل شوروی تبصره‌ی جالبی را درباره‌ی کتاب گریوز در مجله‌ی ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۱، ش ۶، صص ۱۸۵-۱۸۱ نوشته است.

5. *Diplomatic and Consular Reports*, No. 4162, *Persia Report for the Year 1907-1908 on the Trade of Khurasan*, 1908.

است. در این کتاب توجه اصلی به مناسبات سیاسی ایران است با دُول اروپایی.^۱

در میان آثار نویسندگان ایران، که تا حدی به مسئله‌ی مناسبات ایران و آسیای میانه و روسیه پرداخته‌اند، می‌توان از کتاب محمدعلی مخبر، مرزهای ایران، نام برد.^۲ نویسنده‌ی این کتاب تاریخ تعیین مرزهای ایران با کشورهای دیگر و وضعیت کنونی آن را بررسی کرده و در بخشی جداگانه به «مرز ایران از طرف ماورای خزر» نیز پرداخته است. کتاب دیگری که همچنین مرزهای ایران را بررسی کرده، نوشته‌ی امان‌الله جهانبانی است.^۳ در این اثر نویسنده به طور اعم مسائل مربوط به تاریخ روابط مرزی ایران با اتحاد شوروی را توضیح داده است. در فصل اول این کتاب تاریخ تعیین خطوط مرزی پس از الحاق آسیای میانه به روسیه بررسی شده است.

در آثار نویسندگان ایرانی تلاش شده تا مسئله‌ی رشد اقتصادی کشور و مناسبات بازرگانی ایران با کشورهای دیگر تحلیل شود. از این منظر کتاب محمدعلی جمالزاده دارای مواد غنی درباره‌ی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با روسیه، انگلستان و غیره کشورها در پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم است.^۴ علاوه بر این، کتاب دانشپور با عنوان نیم‌سده بردگی اقتصادی که در آن امپریالیست‌های انگلستان را که از «راه فریب، خدعه، دورویی و رشوه» و «با زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و وجدان»^۵ عمل کرده و تمام عرصه‌های اصلی اقتصادی کشور را در دست گرفته‌اند، افشا کرده، نیز در این زمینه یادکردنی است. به قول نویسنده: «انگلیسی‌ها به مجرد رسیدن به سرزمین ایران می‌خواستند خلق با استعداد، توانمند و آزادی‌خواه کشور ما را همانند مردم هند به بردگی بکشند.»^۶ اما دانشپور نیز در زمینه‌ی موضوع تضاد انگلستان و روس، فکر می‌کند که علت

۱. حسام معزی، تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا، تهران: ۱۳۲۶.

۲. محمدعلی مخبر، مرزهای ایران، تهران: ۱۳۲۶.

۳. امان‌الله جهانبانی، مرزهای ایران و شوروی، تهران: ۱۳۲۶.

۴. محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان و اوضاع اقتصاد ایران، تهران: ۱۳۲۰.

۵. ع. دانشپور، نیم‌قرن بردگی اقتصادی، تهران: ۱۳۲۸.

۶. همان جا، ص ۱۰.

اصلی فعالیت انگلیسی‌ها در ایران ترس از «خطر تهدید هند توسط روسیه» است.^۱

هنگام تدوین اثر حاضر از بعضی مأخذ اصلی چون دست‌نوشته‌های پژوهش‌کنده‌ی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان نیز بهره‌بردیم که از جمله باید از آثار محمدرضا آگهی به نام جامع الوقعات سلطانی^۲، گلشن دولت^۳ و شاهد اقبال^۴ یاد کنیم، که در آن‌ها اطلاعات زیادی در مورد زندگی اجتماعی و اقتصادی مردمان آسیای میانه به‌ویژه خانات خیوه تا الحاق آن به روسیه آورده شده است. در این آثار از سفرایی که به خیوه آمده یا از خانات مذکور عازم سرزمین‌های دیگر شده بودند، نام می‌رود. این آثار یکی از منابع باارزش در زمینه‌ی مناسبات خارجی آسیای میانه (اعم از سیاسی و اقتصادی) با کشورهای دیگر از جمله ایران است. همچنین در این زمینه، نیز باید از خاطرات جهان‌گردان مشهور آسیای میانه چون واضح^۵ و میرزا سراج‌الدین^۶ نام برد. مسائل مربوط به بردگی در آسیای میانه و الغای آن در آثار خطی چون آزادنامه^۷ بگجان رحمان‌اوغلی خوارزم تاریخیگه ماتریالر^۸ و مجموعه‌ی وثایق^۹ و غیره نیز بررسی شده‌اند.

روشن است که در تمامی آثار یادشده‌ی فارسی و منابع دست‌نوشته، بحث از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی صورت نگرفته و نیروهای محرکه و قانونمندی‌های عینی این یا آن پدیده‌ی تاریخی بررسی نشده است.^{۱۰}

۱. همان جا، ص ۱۰۵.
۲. محمدرضا آگهی، نسخه‌ی خطی جامع الوقعات سلطانی، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۹۷۸۶.
۳. محمدرضا آگهی، نسخه‌ی خطی گلشن دولت، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۷۵۷۲.
۴. محمدرضا آگهی، نسخه‌ی خطی شاهد اقبال، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۷۱.
۵. قاری رحمت‌الله بن عاشور محمد بخاری (واضح)، نسخه‌ی خطی غریب‌الخبر فی عجایب السفر، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۱۱۰.
۶. میرزا سراج‌الدین، نسخه‌ی خطی ثحف اهل بخارا، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۲۱۴۲. درباره‌ی سفرهای این نویسندگان در بخش سوم این پژوهش اشاره کرده‌ام.
۷. بگجان رحمان‌اوغلی، نسخه‌ی خطی آزادنامه، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۸۹۵۶.
۸. بالتایوف، نسخه‌ی خطی خوارزم تاریخیگه ماتریالر، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۹۳۲۰.
۹. مجموعه‌ی وثایق، انستیتوی خاورشناسی ازبکستان شوروی، ش ۱۳۸۶.
۱۰. دانشپور مثلاً هنگام تذکر در بند کشیدن ایران توسط امپریالیست‌ها از جمله می‌گوید: «کشور ما به علت

اما مواد غنی جمع‌آوری شده در این آثار به پژوهشگران امکان می‌دهد با دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی پدیدآمده در آسیای میانه و ایران و روابط متقابل شان آشنا شوند. در کتاب‌های تاریخی شوروی، درباره‌ی مسئله‌ی روابط ایران و روسیه در اواخر سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم و پس از الحاق آسیای میانه به روسیه تا کنون مطالعه‌ی وسیعی نشده است. گرچه نقاط گرهی تاریخ ایران و روسیه از طریق قفقاز، دریای خزر و غیره به طور علمی (به‌ویژه در آثار مربوط به الحاق قفقاز به روسیه) پژوهش شده‌اند، موضوعات مطرح‌شده‌ی کتاب حاضر در آثار نام‌برده از توجه به دور مانده‌اند. فقط در بعضی مقالات ویژه و کتاب‌های مربوط به جنبش انقلابی خلق‌های نواحی شمال‌شرقی ایران درباره‌ی تأثیر رویدادهای انقلابی آسیای میانه بر انقلاب ایران در چند مورد اشاراتی شده است.^۲ در این آثار بخش‌هایی از روابط ایران و آسیای میانه تا الحاق آن به روسیه بررسی شده است.^۳

به دلایل معلومی در «تاریخ ترکمنستان شوروی» در مقایسه با آثار

→

فقدان رهبر خردمند و عاقل تحت نفوذ بیگانگان درآمده است.» ← ع. دانشپور، نیم قرن بردگی اقتصادی ایران، تهران، ۱۳۲۸، ص ۱۰.

۱. ای. ای. عبدالرحمانوف، آذربایجان در مناسبات روسیه و ایران در نیمه‌ی نخست سده‌ی نوزده، باکو: ۱۹۵۳ یا ام. ای. ایگامبردیوف، ایران در روابط بین‌المللی در ربع اول سده‌ی نوزده، سمرقند: ۱۹۶۱؛ ای. ازابونیان، الحاق ماورای قفقاز و روابط بین‌المللی در سده‌ی نوزده، مسکو: ۱۹۵۶؛ اس. کا. بوشف، گوشه‌هایی از تاریخ روابط سیاسی خارجی دوران الحاق قفقاز به روسیه (سال‌های ۷۰-۲۰ سده‌ی نوزده)، مسکو: ۱۹۵۵؛ اس. وی. شوستاکویچ، فعالیت دیپلماتیک، مسکو: ۱۹۶۰ و غیره.

۲. از جمله از ای. ام. ماتویف، مواد مربوط به تاریخ انجمن ایران در عشق‌آباد (۱۹۱۱-۱۹۰۷)، آثار دانشگاه دولتی آسیای میانه، چاپ ۱۲۷، کتاب‌های تاریخی-علمی، ج ۱۰، تاشکند: ۱۹۵۶، کتاب دیگرش مبارزه‌ی سیاسی-اجتماعی در استرآباد، تاشکند: ۱۹۵۷؛ و اثرش از لایه‌لای تاریخ جنبش انقلابی خراسان، در- ۱۹۰۶، ۱۹۰۹، دانشگاه دولتی آسیای میانه، چاپ ۱۴۱، بخش تاریخ عمومی، تاشکند: ۱۹۵۸؛ جی. وی. آکوپوف، مسئله‌ی تأثیر انقلاب سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۵ در ترکستان و جنبش انقلابی خلق ایران، آثار پژوهشکده‌ی تاریخ، باستان‌شناسی و قوم‌شناسی، ج ۴، نشریات انستیتوی خاورشناسی ترکمنستان شوروی، عشق‌آباد: ۱۹۵۸ و از همان نویسنده مقاله‌ی «بعضی از مسائل مربوط به تأثیر اقدامات روسیه‌ی ۱۹۰۷-۱۹۰۵ بر جنبش خلق‌های خاور» را می‌توان نام برد.

۳. تاریخ جمهوری ازبکستان شوروی، ج ۱، کتاب دوم، تاشکند: ۱۹۵۶؛ ای. غلاموف، تاریخ آبیاری خوارزم، تاشکند: ۱۹۵۸؛ ام. ای. یولداشف، خیره خانلیگ‌کده فتودال‌ار ایگلیگی و دولت توزیلیشی، تاشکند: ۱۹۵۹، آغا قاریوف، ایران شالاربتین اگر سیاسی قرشی ترکمنلرین گریشی (ترکمنستانین تاریخیدان)، ج ۱۱- ۱۰، عشق‌آباد: ۱۹۴۹؛ ای. ای. روسلیاکوف، الهامانی، قوم‌شناسی شوروی، ش ۱۲، ۱۹۵۵؛ تاریخ ترکمنستان شوروی، ج ۱، کتاب ۲، انستیتوی خاورشناسی ترکمنستان شوروی، عشق‌آباد: ۱۹۵۷ و غیره.

دیگر مربوط به تاریخ ازبکستان شوروی توجه بیش‌تر به روابط ایران و آسیای میانه معطوف شده است. نویسندگان این کتاب نه‌فقط به نگارش مراحل تاریخیِ حوادث پرداخته‌اند، بلکه به توسعه‌ی بازرگانی با ایالات ماورای خزر آسیای میانه‌ی شوروی نیز نظر کوتاهی انداخته‌اند. در آثار مورخان شوروی کار بزرگی در رابطه با مطالعه‌ی مسائل مربوط به الحاق خلق‌های آسیای میانه به روسیه انجام شده بود.^۱ در بعضی نوشته‌های مورخان شوروی^۲ پرده از دسایس استعمار انگلستان در خاورمیانه و همچنین در آسیای میانه در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم برداشته شده است. در این کتاب‌ها ماهیت اشغالگرانه‌ی استعمار انگلستان در ایران، افغانستان و خانات آسیای میانه افشا و ادعای بی‌پایه‌ی مدافعان امپریالیسم انگلستان «در باره‌ی خطر تهدید هند توسط روسیه» رد و ماهیت تجاوزگرانه‌ی انگلستان که هدف آن به برده کشیدن خلق‌های خاور در بند استعمار بود، افشا شده است.

در هنگام تدوین این کتاب از اسناد بایگانی مرکزی دولتی تاریخی - نظامی اتحاد شوروی، بایگانی مرکزی دولتی اتحاد شوروی، بایگانی مرکزی دولتی ازبکستان شوروی، بایگانی مرکزی دولتی ترکمنستان شوروی و بایگانی مرکزی دولتی تاریخ جمهوری گرجستان شوروی بهره برده‌ام. منابع بایگانی مرکزی دولتی تاریخی و نظامی اتحاد شوروی به ما امکان می‌دهد تا برخورد حاکمان نظامی روسیه با مسائل پیچیده‌ی پیش از الحاق و پس از الحاق آسیای میانه به روسیه را درک کنیم. در این یادداشت‌های روزانه نه‌تنها اسناد مربوط به الحاق آسیای میانه بلکه رونوشت تمام گزارش‌های ارسالی روسیه به تهران در خصوص روابط ایران و روسیه در آن زمان نیز موجودند.

۱. اس. رجیوف، نقش خلق کبیر روس در سرنوشت تاریخی مردم آسیای میانه، تاشکند: ۱۹۵۵؛ ان. ای. خالفین، سه هیئت روسی، تاشکند: ۱۹۵۶؛ ای. ام. امینوف، رشد اقتصادی آسیای میانه و اهمیت مترقی الحاق آسیای میانه به روسیه، تاشکند: ۱۹۵۹؛ ال. ای. پریپلیتسینا، تأثیر فرهنگ روسی بر فرهنگ مردم آسیای میانه، تاشکند: ۱۹۶۰؛ ام. ان. تیخومیروف، الحاق مرو به روسیه، مسکو: ۱۹۶۰؛ ان. ای. خالفین، سیاست روسیه در آسیای میانه، مسکو: ۱۹۶۰؛ بی. جی. جانگیرچینوف، پیوستن داوطلبانه‌ی قرقیزستان به ترکیب روسیه، فروززه: ۱۹۶۳ و غیره.

۲. ای. ال. اشتین‌برگ، روایت انگلیسیِ خطر حمله‌ی روسیه به هند در سده‌های نوزده و بیست، یادداشت‌های تاریخی، ج ۳۳، ۱۹۵۰؛ از تاریخ تجاوز بریتانیا در شرق میانه، مسکو: ۱۹۵۱ و ان. ای. خالفین، سیاست استعماری انگلیس در آسیای میانه، تاشکند: ۱۹۵۷ و غیره.

اسناد بایگانی مرکزی دولتی، تاریخی و نظامی اتحاد شوروی، که توسط نمایندگان نظامی روسیه در لندن جمع‌آوری شده و در آن‌ها برخورد بریتانیا به رویدادهای آسیای میانه و به‌ویژه الحاق ترکستان به روسیه بازتاب یافته‌اند، بی‌ظنند. اطلاعات باارزش در گزارش‌های سالانه‌ی زمامداران روس در ایالت ماورای خزر موجودند، که نه‌تنها در آن‌ها مسائل مربوط به امور داخلی ایالت بلکه مناسبات سیاسی خارجی با کشورهای هم‌جوار و در گام اول با ایران بررسی شده‌اند. در بنیادهای بایگانی مرکزی دولتی ازبکستان شوروی اسناد زیادی در رابطه با تاریخ ترکستان مستعمره و همچنین درباره‌ی تاریخ جدید کشورهای هم‌جوار خاور و از جمله ایران موجودند.

روشن است که حاکم نظامی کل ترکستان از خودمختاری معینی در رابطه با سیاست خارجی با کشورهای جنوبی آسیای میانه برخوردار بود. به این سبب اسناد مربوط به ایران در بایگانی مرکزی دولتی ازبکستان شوروی، اکثراً نسخه‌ی اصلی بوده و ارزش زیادی در پژوهش روابط روسیه و ایران از طریق آسیای میانه دارند. در پرونده‌های نمایندگان سیاسی روسیه در بخارا، اطلاعات باارزشی درباره‌ی بازرگانی این خانات با ایران می‌یابیم. مزید بر این داده‌ها، اطلاعات و یادداشت‌های پزشکان روسی در خاور ایران، که در آن‌ها اطلاعات بسیاری هم در مورد وضع اجتماعی و اقتصادی در شرق ایران و هم رقابت روسیه و بریتانیا در این بخش کشور و تجارت با ترکستان از طریق آن‌جا مطرح شده‌اند، بسیار باارزش‌اند.

در بایگانی دولتی ترکمنستان شوروی اطلاعات نمایندگان بازرگانی روس که پس از الحاق ماورای خزر به روسیه در شهرهای خاور ایران فرستاده شده بود، نامه‌های ساکنان نواحی مرزی که به اوضاع سیاسی آن دوره روشنی انداخته است و اطلاعات عاملان ادارات گمرکی در ماورای خزر و غیره از اهمیت باارزشی برخوردار است. باید یادآور شد که بخش اعظم این اسناد بایگانی اطلاعات موثقی‌اند که فقط به خاطر استفاده‌ی محدود داخلی جمع‌آوری شده و گروه انگشت‌شمار مأموران وزارت خارجه و وزارت جنگ تزاری به آن دسترسی داشتند. شمار زیادی از اسناد نام‌برده از دسترس خاورشناسان روسیه‌ی پیش از انقلاب به دور بود. بنابراین

در آثارشان به اسناد بایگانی که اکنون قابل دسترسی‌اند، بر نمی‌خوریم و فقط مورخان شوروی به این مواد دسترسی داشته‌اند که این امر برای آنان امکان پژوهش مسائل گسترده را به طور دقیق فراهم آورده است. نویسنده با اتکا به مواد و منابع بالا تلاش کرده تا بخش‌هایی از یک دوره‌ی بسیار مهم از تاریخ روسیه و ایران را که از طریق آسیای میانه با روسیه مرتبط است، روشن کند.